



جنگ روایت‌ها در انتظار آتش به اختیارها

◀ | محمد مهدی اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی که در خطابه و قلم شهره است؛ بارها دشمنان خویش را به اذعان واداشته که استعداد ویژه‌ای در مفهوم‌سازی برای تبیین مطالبات و نیازهای روز دارد. از جمله پریسامدترین مفهوم‌سازی‌های ایشان که دامنه واکنش به آن از دوست تا دشمن پس از چند سال هنوز ادامه دارد، «آتش به اختیار فرهنگی» بود. به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز، آن هم هنگامی که دستگاه‌های رسمی فرهنگ اختلال پیدا کرده و یک مسأله اصلاّبی اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسأله اصلی، درشت می‌کنند. (ر.ک بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۷ خرداد ۱۳۹۶)

شاید بتوان یکی از مأموریت‌های اصلی ایشان به آتش به اختیارها را «جهاد تبیین» دانست؛ فرضیه‌ای که آن را قطعی و فوری برای هرکس که می‌تواند دانستند تا آنجا که چنین دست به دعا برداشتند که «پروردگارا ما را سربازان جهاد عظیم این روزگار که جهاد تبیین است، قرار بده.» (فراز پایانی بیانات ۱۳/۳/۱۴۰۰) این جهاد تبیین، در عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی اهمیت مضاعفی یافته است. چه آنکه تلاش برای واژگونه‌نویسی حقایق چنان به جریان افتاده است که گاه حتی شاهدان وقایع را به تردید فرو می‌برد. در این میان اما برخی مظلوم‌تر هستند. ایشان در این عرصه تصریح داشته‌اند که «ما روی مسأله شهدایمان انصافاً کم‌کاری کردیم. این حادثه شهدای هفتم تیر ظرفیت عجیبی دارد برای معرفی شدن؛ هم معرفی شدن این چهره‌هایی که آماج این جنایت قرار گرفتند؛ هم معرفی ملت ایران که چگونه در یک چنین حادثه تکان‌دهنده‌ای خودش را نگه می‌دارد، حفظ می‌کند و نه فقط از میدان در نمی‌رود بلکه روحیه مضاعف پیدا می‌کند؛ هم معرفی دشمنان که چه موجودات پست و چه سیاست‌های خبیثی پشت سر این حوادث قرار دارد، دست‌های جنایتکار اینها را [معرفی می‌کنند]... خیلی کار می‌شد کرد و باید کرد؛ دستگاه‌های مسئول و همه ما دچار کم‌کاری هستیم و به نظر می‌رسد که این کار را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگی مؤمن انقلابی مردمی خودجوش؛ این جوان‌هایی که می‌بینید در اطراف کشور به‌طور خودجوش کارهایی انجام می‌دهند... این کار را هم آنها باید بکنند. با زبان هنر، با زبان تصویر، با استفاده از ابزارهای جدید باید بتوانند این حادثه را، این شخصیت‌ها را [معرفی کنند]؛ کسی مثل شهید بهشتی را در دنیا معرفی کنند، کسی مثل شهید رجایی را معرفی کنند، شهید باهنر را معرفی کنند. هرکدام از این شخصیت‌هایی که در ماجرای هفتم تیر یا ماجراهای دیگر به شهادت رسیدند، شایسته یک چهره‌نگاری بسیار باعظمتند که می‌شود از اینها چهره‌نگاری کرد.» (۶ تیرماه ۱۳۹۴)

به وضوح مخاطب این مطالبه، کسانی هستند که خود را بخشی

از جناح فرهنگی مؤمن انقلابی مردمی خودجوش می‌دانند؛ اما مع‌الأسف با گذشت سال‌ها از این مطالبه، هنوز جهش انقلابی در این میدان دیده نشده است.

این مأموریت از دو منظر مفید است؛ نخست الگوسازی از انقلابیون پیشرو و دیگر تبیین تضییع حقوق بشر توسط آمریکا، که لازمه فهم عمق جنایت آمریکا، فهم اهمیت عملیات تروریستی انفجار دفتر حزب جمهوری است – که به تصریح مسعود رجوی در دیدار با منصوبان صدام به صراحت از هماهنگی کاخ سفید در این انفجار می‌گوید- و نیز فهم سرمایه‌انسانی از دست رفته در این حادثه است. اینکه سال به سال بزرگداشت آن شهدا کمرنگ‌تر شود، چندان دور از انتظار از نهادهای رسمی نیست؛ چه آنکه رهبری هم از اقدام انقلابی قطع امید کرده‌اند و به نیروهای خودجوش مأموریت داده‌اند؛ از این رو دیگر فعالیت در حد متهم کردن دولت و نهادهای انقلابی کفایت نمی‌کند؛ اینجا باید خودمان را زیر ذره‌بین ببریم که آیا لیبکی به این فراخوان گفته‌ایم؟

یکی از نکات مهم در تاریخ‌نگاری آن حادثه عدم غفلت از ظرفیت‌های متعدد شهدای هفتم تیر است. همان روزها که هنوز داغ حادثه بر دل‌ها تازگی داشت، آیت‌الله خامنه‌ای چنین تذکر داده بودند: «چهره شهید بهشتی آن قدر برجسته است که چهره‌های برجسته حول و حوش او را در محاق قرار داده، والا هر کدام از آنهايي که آنجا بودند که من اگر یادم می‌آمد دلم می‌خواست اسم هر ۷۲ نفرشان را بیاورم واقعاً یک چهره برجسته‌ای بودند، شهید محمد منتظری مگر برجسته نبود؟ آن انسان پارسای مبارز خستگی‌ناپذیری که چند سال دوران اختناق به قول دعبیل خزاعی دارش را بر دوشش گرفته بود و از این کشور به آن کشور، از این منطقه دنیا به آن منطقه دنیا می‌رفت و مبارزه می‌کرد، آن عناصر قدیمی انقلاب مثل صادق اسلامی و علی درخشان و امثال اینها مگر نبودند که در طول سالیان دراز بارها از سوی دستگاه جبار تهدید به قتل شده بودند و تا پای اعدام پیش رفته بودند، آن روحانیون زیده و برجسته‌ای مثل مرحوم حقانی، مرحوم موسوی، مرحوم دانش و امثال اینها نبودند که سابقه و پرونده‌شان سرشار بود از افتخارات. آن وزرا و مسئولان عالی مملکتی، آن معاونین وزرا، آن نمایندگان مجلس، آن جوان‌های پاکباز مثل اجاره‌دار و بقیه برادران که متأسفانه اسم‌هایشان یادم نمی‌آید والا دلم می‌خواست دانه دانه اسم‌های اینها را می‌بردم و عرض اخلاص و ارادت صادق و قلبی نسبت به یک یک اینها می‌کردم» (سخنرانی آرشوی به نقل از روزنامه ایران ۹ تیرماه ۱۳۸۹)

در این مختصر، تلاش کرده‌ایم مختصری از بار بر زمین مانده تاریخ‌نگاری آن حادثه را برداریم؛ اگرچه اذعان داریم بخش اصلی مسیر مظلومیت‌زدایی از شهدای هفتم تیر باقی است و جز با همت «آتش به اختیارهای فرهنگی» به فرجام نخواهد رسید.

ملوک السادات بهشتی:

وقت‌گذاری برای خدمت را مقدم بر پاسخ اتهامات می‌دانست

دکتر ملوک السادات حسینی بهشتی، فرزند ارشد شهید مظلوم، آیت‌الله دکتر بهشتی است. شاید امروز که در قامت استاد دانشگاه میان جوانان حاضر است، اهمیت روش تربیتی پدر را بیشتر درک کرده است و همین امر محور بخش عمده گفت‌وگوی مادر چهل و یکمین سالگرد آسمانی شدن این استاد انقلاب اسلامی است.

■ نگاه شهید بهشتی به خانواده و وقت‌گذاری برای خانواده چگونه بود؟ سبک تربیتی شهید بهشتی در خانه چگونه بود؟

شهید بهشتی بیش از آن که برای فرزندان خود پدر باشد، استادی به تمام معنا، دلسوز و مهربان بود؛ الگویی بارز از شخصیتی از سلاله جد بزرگوارشان پیامبر اکرم بودند. از ویژگی‌های اخلاقی ایشان این که از ظرف زمان حیات خود و از لحظه لحظه عمر گرانبهایشان بیشترین و بهترین استفاده را می‌نمودند و چهره ایشان نورانی و همواره به یاد پروردگار متعال بودند. رمز موفقیت ایشان در زندگی خانوادگی، اجتماعی و سیاسی ایشان این نکته بود که هر لحظه عمر خود را در حال فعالیت‌های علمی و اجتماعی بودند و حتی در زندگی خانوادگی خود را در حال عبادت می‌دانستند و از این رو حتی ثانیه‌های فرصتی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود از دست نمی‌دادند و به غفلت نمی‌گذرانند.

در زمینه تربیت دینی و انتقال اصول و ارزش‌ها بسیار موفق بودند. ایشان وقتی وارد خانه می‌شدند، کارهای متفرقه را کنار می‌گذاشتند و از تک تک اعضای خانواده احوالپرسی می‌کردند. اول از همه از همسرشان می‌پرسیدند که در طول روز چه کارها کرده‌اند و آیا مشکلی نداشته‌اند و از ایشان برای مدیریت امور خانه تشکر و قدردانی می‌کردند. از تک تک فرزندان می‌پرسیدند که مثلاً در مدرسه و در ارتباط با دوستان‌شان مشکلی نداشته‌اند و در مسائل هر روزشان مشورت می‌دادند. شهید بهشتی در زمینه تربیت دینی تجویزی عمل نمی‌کردند و آمرانه برخورد نمی‌کردند، بلکه با گفت‌وگو مسائل را حل می‌کردند و این یکی از مشکلات جامعه ما است.

ایشان در مورد مسائل مختلف تربیت دینی، اجتماعی و حتی مشارکت سیاسی با فرزندان‌شان گفت‌وگو می‌کردند و تبادل نظر داشتند و حتی از آنها نظرخواهی می‌کردند. اصولاً به عقاید و خواسته‌های فرزندان‌شان توجه زیادی می‌کردند. ایشان معتقد بودند که فرزندان خانواده حتی در سنین کم از بزرگ تا کوچک دارای عقل و شعور و قدرت تشخیص هستند و باید به نظرات آنان توجه و احترام گذاشت.

■ فعالیت‌های سیاسی شهید بهشتی در منزل چگونه بود؟

در زمینه آشنایی با مسائل اجتماعی و سیاسی آن‌روز نیز ما را به مطالعه کتاب تشویق می‌کردند و گاهی حتی می‌بینیم در جمع خانوادگی اصول اخلاقی و اسلامی را در قالب داستان و قصه بیان می‌کردند و از جمع خانواده نظرخواهی می‌کردند و مسائل را به بحث می‌گذاشتند.